

## وقتی پهلوی مالکیت بر "بحرین" را در دسر بیهوده می‌داند! + سند

✦ مصطفی جوان

در حالی که افرادی چون داریوش همایون وزیر اطلاعات و جهانگردی وقت، اعلام می‌کردند که "بحرین برای ایران نیست و مالکیت بر آن، چیزی جز ایجاد ناراضی‌تی سیاسی و اجتماعی ندارد و باید در پی راه‌حل آبرومندانه بود تا ماجرا با کمترین هیاهو و جار و جنجال فیصله یابد!"، حاکم بحرین به کمک دولت انگلیس مقدمات مهاجرت دادن اعراب آفریقایی به این منطقه را فراهم می‌کردند تا ترکیب جمعیتی بحرین را برای برگزاری یک همه‌پرسی در خصوص ادامه حاکمیت ایران بر بحرین به هم بزنند.



پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی: داریوش همایون (وزیر اطلاعات و جهانگردی دولت آموزگار) معتقد بود که پافشاری ایران بر ادعای مالکیتش بر بحرین بیهوده است. از منظر همایون، بحرین چیزی جز ایجاد ناراضی‌تی سیاسی و اجتماعی ندارد و باید در پی راه‌حل آبرومندانه بود تا ماجرا با کمترین هیاهو و جار و جنجال فیصله یابد(!)

به باور همایون ادعای بیهوده مالکیت بر بحرین به انزوای ایران انجامیده است و همدردی ما با کشورهای چپ‌گرا و پاکستان در وقایعی چون قبرس و کشمیر و درک مواضع آنان نیز دردی را دوا نکرده است.

همایون با قاطعیت اعلام می‌کند که بحرین متعلق به ایران نیست و باید دست از ادعاهای خود برداریم، چراکه ادامه‌ی این وضع برایمان زیانبار است. از دید وی که نظراتش را در نامه‌ای به امیرعباس هویدا ابراز داشته، می‌بایست در برابر تغییر این سیاست از شیخ بحرین و عملاً از انگلستان امتیازات سودمندی گرفته شود که این امر معامله با استعمارگر پیر را می‌طلبد.

از این رو همایون داشتن طرح و برنامه برای گفتگو و آماده‌سازی فضا و زمینه‌سازی ذهنی به منظور تغییر سمت‌گیری افکار عمومی را ضروری می‌داند.

وی در خاتمه زبان به ستایش از جسارت و روشن‌بینی اعلیحضرت شاهنشاه در عرصه بین‌المللی گشوده، آن را در قبال جدایی بحرین ناچیز می‌شمرد(!)

در بحرین نیز امیرنشین این منطقه به کمک دولت انگلیس مقدمات مهاجرت دادن اعراب آفریقایی و کشورهای حاشیه خلیج فارس را به این منطقه فراهم می‌کردند تا ترکیب جمعیتی بحرین را به خاطر برگزاری یک همه‌پرسی که قرار بود نتیجه آن، ادامه حاکمیت ایران بر بحرین را مورد بررسی قرار دهد، به هم بزنند.

بدین‌گونه زمینه‌های ذهنی جدایی بحرین از ایران فراهم شد. در روز یکشنبه ۹ فروردین ۱۳۴۹ نمایندگان مجلس شورای ملی با به هم زدن تعطیلات نوروزی به منظور استماع گزارش مهم اردشیر زاهدی، وزیر امور خارجه، درباره‌ی تصمیم دولت در خصوص تعیین سرنوشت استقلال بحرین از رهگذر برگزاری همه‌پرسی به مجلس آمدند.

مجلس ساعت ۹/۱۵ دقیقه صبح به ریاست عبدالله ریاضی تشکیل جلسه داد. سخنان وزیر امور خارجه بسیار موجز بود. پس از آن سه تن از نمایندگان دیدگاه‌های خود را بیان کردند و سرانجام پس از ۵۵ دقیقه، ختم نشست فوق‌العاده مجلس شورای ملی رأس ساعت ۱۰/۱۰ دقیقه اعلام شد و نمایندگان تا ۲۷ فروردین‌ماه به ادامه‌ی گلگشت عید بازگشتند. بدین‌گونه بحرین در یک مجلس فرمایشی از خاک ایران جدا شد.

پی‌نوشت:

[۱]- مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره سند ۶۴۳-۳۲-۱۵

حقیقت بینی و روشن ساختن و جورانه سیاست ما در مرصه های دیگر  
تاسیس ندارد .

خلیج فارس به حق مهمترین هدف سیاست خارجی و دفاعی ایران  
شناخته شده است . هزینه های گزافی که برای بسط بندرها و ساحه ساحل  
دریای جنوب تحمل می کنیم و برنامه دفاعی هنگفتی که در جهت نیروی دریایی  
در دست اجراست و کوشش قابل ملاحظه مقامات اقتصادی برای بسط بازرگانی  
ایران با شیخ نشینهای خلیج فارس نشانه آمادگی ما برای تحمل بار سنگینی  
است که دفاع از شاهراه بازرگانی و زیربنای منطقه نفتی کشور بر دوش ما  
می گذارد .

طرحهای استعماری ناسیونالیستیای عرب برای دست اندازی به خلیج فارس  
اکنون از مرحله تبلیغات گذشته است . وجود ۷۰ هزار سرباز صوری در یمن و  
تزلزل وضع انگلستان در مناطق ساحلی شبه جزیره عربستان شکلی در پیش بینی  
سیر حوادث آینده نمی گذارد . پس از آنکه انگلستان پایگاه عدن را در ۱۹۶۸  
تخلیه کرد فدراسیون عربستان جنوبی با شیخ طیب مانده و ناتوان و فقیر خود  
طعمه دشواری برای جهانجهاان صوری نخواهد بود . و از شیخ نشینهای ساحل  
جنوبی تا مناطق شمالی تر ساحل عربستان راه دوازی نیست . اگر صحر بخوانند  
نفوذ خود را در ساحه کزانه ای عربستان بگسترانند - و در حال حاضر بسیار  
بمحد به نظر می آید که نتوانند - نفوذ آن که هم اکنون در شیخ نشینهای خلیج  
فارس قابل ملاحظه است به حدود خطرناکی بالا خواهد رفت و عملاً تبدیل  
به قدرتی در خلیج فارس خواهد شد . مبارزه سیاسی و تبلیغاتی - و گاه و  
بگاه تروریستی - که اکنون در خلیج فارس جریان دارد شدت خواهد یافت و  
صحبها زندگی را بر ایرانیان شیخ نشینها دشوار خواهند کرد و مانع پیشرفت

- ۳ -

فاسد ایران خواهند شد .

ادامه حضور انگلستان در خلیج فارس - به صورت پایگاههای نظامی در بحین و خارجه - و تهت نیروی نظامی و روابط بازرگانی ایران در این منطقه ، بهرراه مایل مؤخر مهستان سعودی و کتبه ، موانع جدی بر سرراه دست اندازیهایی صهیان و ناسیونالیستهای عرب خواهد بود . ولی از این میان تنها به ساس خود ایران میتوان اتکا کرد . انگلیسها در خلیج همیشه نخواهند بود و جزئیات ساختشان در شیخ نشینها چندان دشوار نیست . در ۲۰ سال پس از جنگ امپراتوری بهتاشا مواضع خود را در خاور میانه یکایک از دست داده است و نه به علل خود . مهستان سعودی و کتبه اکنون مرز و استوار به نظر میروند ولی کسی که بتواند ثبات دائمی آنان را تضمین کند و خنثی روی کارآمدن ریههای افراطی را در آن سرزمینها یکسره نلی کند ؟

تنها ایران است که به سبب موقعیت مسلط خود در خلیج فارس قادر خواهد بود ثبات این منطقه را در نهایت امر تضمین کند و دست آزدان را کوتاه سازد .

تهت بنیه نظامی و اقتصادی ایران در خلیج فارس مایل تاظمی است . ولی تا همچنین به استحکام وضع سیاسی و تبلیغاتی خود نیاز داریم . تا باید در خلیج فارس از صورت یک عنصر تهدید کننده بدرآئیم و حالت محافظ و مدافع بنمود بگیم . ایران در واقع نیز تعد تهدید و جهانگشایی ندارد و اقدامات آن همه در جهت حفظ و دفاع بوده است . ولی مسئله بحین از سالهای دراز

- ۹ -

با این طرف لطفه\* سختی بر این صیبر ایران زده است و همچنان میزند .  
ما با پاشاری در دطاری خود بر بحین هیچ عیش نصب خود نساخته‌ام  
و چنین احتیالی را در آینده نیز نمی‌توان داد اما وضع خود را در خلیج  
فارس به سود دشمنان ضعیف کرده‌ام .  
بحین صرف نظر از موقعیت استراتژیک خود در خلیج فارس هیچ ابزاری  
ندارد که جایزه به خاطر دست یافتن بر آن را بوجه سازد . نفت و مریاد  
آن داستانهای گذشته است . تنها ثروت آن چند هزار تنگه‌سازده بیسکارو  
ناراضی و آماده انفجار هستند که مواد خام تولیدات ناسیونالیستیای مسرب  
بشمار می‌روند . اکتیبه بزرگ جمعیت آن می‌باشد و اقلیته کوچک ایرانیان بحین  
هرگز شهر و خلاصه\* خاص نسبت به سرزمین اصلی از خود نشان نداده‌اند .  
از جهت ترکیب جمعیت و تعلیمات ملی و نوادی و فرهنگی هیچ تفاوت با بومی  
بین بحین و دیگر شیخ نشینهای خلیج فارس نمی‌توان یافت . امکانات ایران  
در باز گرفتن بحین از انگلستان ما در مورد مظلای مسقط بیشتر نیست . اگر  
سابقه\* تائیشی و وجود عناصر ایرانی برای توجیه دطاری ما کافی باشد تنها  
به بحین نمی‌توان بسته کرد . در چهار سوی مرزهای ایران سرزمینهای زیربزمتری  
هست که سزاواری دعوی و جایزه داشته باشد . حتی ارزش استراتژیک بحین  
نیز برای قدرتی مانند ایران با تسلطش به سراسر کرانه\* شمالی خلیج فارس  
و جزایر بسیار در دنیای جنوب جنبه\* حیاتی ندارد . برای ما بسیار بیشتر  
است که بحین - مانند دیگر جزایر و شیخ نشینهای خلیج فارس - به دست  
یک قدرت دشمن نیفتد تا خود آن را در دست داشته باشیم .  
اما با سیاست گذشته\* ما در مورد بحین ما تنها به استواری موقعیت  
انگلیسیا در نزد خانوادہ\* حاکم و موقعیت صهیبا در نزد توده های مردم

- ۰ -

چهره کتک کرده‌ایم - صربها می‌توانند با قدرت مظاهر کنند - کالی ما را به همه ساکنان عرب سواحل جنوبی خلیج فارس به عنوان یک قدرت توسعه طلب و دارای نظامی تجاوز آمیز معرفی کند - ما می‌دانیم که اعراب خلیج فارس با دطوی ما در مورد بحسین همراهِ نیستند - از اینرو چه چیز طبیعی‌تر از آنکه ما را لااقل نسبت به بحسین تجاوز بشناسند و از آنجا که طاوت نهادی بین خود و بحسین نمی‌بینند برپایان کار خود نیز مصداق شود ؟

باز اگر ما می‌توانستیم امیدواری حقوق به نتیجه سیاست خود داشته باشیم دلیلی بر آن می‌بود که در دطوی خود پانشاری کنیم - ولی باقیصحت پایگاه انگلیسی در بحسین - که محبوبش در من حال حمایت نظامی و کسک مالی است - و با توجه به انکار صوسی در جنوب خلیج فارس و عسود بحسین چه امکانات نظامی یا سیاسی یا اقتصادی برای بزبان درآوردن شیخ بحسین برای ما می‌ماند ؟ آیا ما هم اکنون بیشترین کتک را باو نمی‌کنیم ؟ آیا کشتی به خاطر تهدید ایران نیست که او می‌تواند حکومت خود را بر مردم ناراضی بحسین تحویل کند ؟ آیا اعراب بحسین ادامه حکومت او را بر تسلط ایران ترجیح نمی‌دهند ؟

برای یک ایرانی خاصه در مقام مسئول بسیار دشوار است که قلم بطلان بر دطوی ندیده ایران بکشد - ما آنقدر در دوران تاجار سرزنیهای کشور را به این و آن واگذاشته‌ایم که حق نداییم به خاطر جلب دوستی دیگران از اینگونه گشاده دستی‌ها بمانیم - خود اینجانب در دوران جوانی سالها خواب تشکیل دسته‌های حمله به بحسین را ندیده‌ام - ما بیش از آن درباره بحسین سرو صدا و تبلیغات کرده‌ایم که به آسانی بتوانیم راه

- ۲ -

تشیهای تحت حمایت انگلستان موافق تر خواهیم یافت -

روح نگارندهای شیخ تشیهای خلیج فارس و خلق سلاح کردن موافق امپریالیسم صوری از نظر تبلیغات تشیهای خلق است که چشم پوشیدن از دعوی ایران بر بحسین نصیب ما می‌سازد - اما بعضی تشیهای - ضمه نیز در این راه خواهند بود - ما می‌توانیم در برابر تفسیر سیاست خود از شیخ بحسین و خلا از انگلستان اخباری بگویم که خاصه از نظر روایت آینده ما با دیگر شیخ تشیهای اهمیت خواهد داشت - ایران تا کنون در بسط سیاست بازرگانی خود با شیخ تشیهای و حمایت از اتباع ایران در آن مناطق همواره با دشواریهای زیاد روبرو بوده‌است - از جمله ما هرگز نتوانسته‌ایم شمشه یک بانک ایران را در هیچ یک از شیخ تشیهای بکشاییم - گرفتن اخبار از این لیبیل در مورد بحسین به شیخ انگان پلیر است - اگر ما بتوانیم با شکیانی و تمیبه خدمات لازم با انگلستان وارد مذاکره شیم اقدام معاطه‌ای که یک طرف آن ناگهیر باید به سود ایران باشد چندان دشوار نخواهد بود - و اگر ما بتوانیم در زمینه های بازرگانی مالی و فرهنگ و امور مربوط به اتباع ایران از بحسین اخباری بدست‌آیم سابقه‌ای در مورد تمیبه شیخ تشیهای بر قرار خواهد گردید - یک قرارداد دوستی ایران با بحسین سرشرف قراردادهای مشابه با دیگر شیخ تشیهای خواهد شد - آن دست گشاده‌ای که ما در خلیج فارس می‌توانیم بدین ترضب آسانتر متعلق خواهیم یافت -

تردید نیست که همیشه نیازمند طرح‌ریزیهای خلاص و مذاکرات بر طبق و تفصیل و تمیبه‌های دقیق تبلیغات و سیاسی است - ما باید از آنها بی‌مبدری از هدفهای سیاسی و استراتژیک خود در خلیج فارس و در دریای

- ۸ -

مرب بکنم - زیرا تأثیر تنبیر حساست ایران در مورد حسین را بر موقعیت  
ما در دنیای عرب نادیده نمی‌توان گرفت.

چنین ارزیابی مجددی هیچ وجه آسان نیست - با وجود این زمان  
آن رسیده است که حساست فعالیت و شجاعتی انتقال کنیم - در برابر حساست  
و روشن بینی قابل ستایش که امپراطور شاهنشاهی در مرعه\* روایت ایران  
با شجوری و کثرت‌های اروپای شرقی نشان داده اند. مسئله\* حسین ناچیز جلوه  
می‌کند.

با تقدیم احترامات عالیله

دانشور حسین